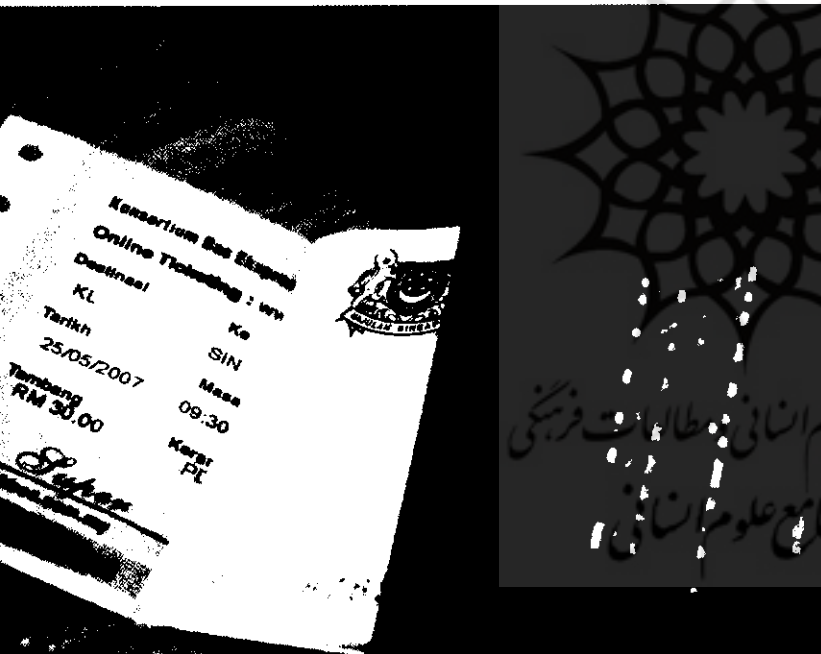


## گزارش نشست قضایی استان

◀ تنظیم: حمید مهدی‌پور، قاضی حوزه معاونت آموزش

سوال ۳۷۸: اگر شخصی با پاسپورت جعلی مربوط به کشور دیگر وارد ایران شود، آیا جرم استفاده از سند مجعول محقق شده است یا خیر؟ آیا جعل پاسپورت مذکور در ایران قابل رسیدگی می‌باشد یا خیر؟



آقای پسندیده (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ تهران):  
 من باب مقدمه باید گفت که در رشته حقوق، گرایش حقوق جزای بین‌الملل عهده‌دار پاسخ به اینگونه سئوالات می‌باشد. در حقوق خصوصی، حقوق بین‌الملل خصوصی که در مورد تعارض قوانین، در بحث تعیین قانون حاکم بر وضعیت اعمال حقوقی، عملکردی شبیه به حقوق جزای بین‌الملل دارد.

در بحث حقوقی جزای بین‌الملل، استراتژی نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران در قانون مجازات اسلامی بیان شده است. به موجب ماده ۷ قانون فوق هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزای جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد. اشکالی که در این ماده قانونی به نظر می‌رسد این است که ممکن است اجرای این

ماده باعث ایجاد مجازات مضاعف شود. چنانچه شخصی به اتهام جرمی در محل وقوع جرم مجازات شود، مجازات مجدد فاقد محمل قانونی می‌باشد در اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌های مشورتی شماره‌های ۱۳۶۸/۵/۹ - ۷/۵۳۰ - ۱۳۷۱/۹/۷، ۷/۴۳۲۲ - ۱۳۷۶/۸/۱۸ و ۷۸۶۰ - ۱۳۸۰/۹/۳ به این موضوع توجه داشته و مجازات مجدد متهم را در ایران فاقد مجوز قانونی دانسته است. ممکن به نظر می‌رسد همان طور که در متن نظریه‌های فوق مذکور افتاده است. این حکم درجایی است که اتهام متهم از بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده باشد. چنانچه عمل ارتكابی متهم از بخش حدود شرعی و مجازات شرعی باشد این حکم قابل اجرا نبوده و متهم هرچند در خارج از ایران به موجب قانون کشور محل وقوع جرم مجازات شده باشد در ایران جداگانه کیفر خواهد شد و به موجب ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، بر مبنای صلاحیت واقعی، هر بیگانه‌ای در خارج از ایران مرتکب جرم شود در داخل ایران قابل کیفر نیست مگر اینکه جرایم ارتكابی از دسته جرایم مندرج در ماده فوق باشد.

حال در پاسخ به سوال فوق به نظر می‌رسد که باید قائل به تفکیک شد.

الف: اگر خود متهم جاعل پاسپورت جعلی باشد در دو حالت قابل بررسی می‌باشد: ۱- اگر ایرانی باشد طبق ماده ۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و کیفر می‌باشد. (در فرض که جعل در خارج از ایران انجام شده باشد). ۲- اگر خارجی باشد، طبق ماده ۵ قانون فوق، متهم نسبت به اتهام جعل در ایران قابل پیگرد نمی‌باشد چرا که اتهام انتسابی به نامبرده در دسته جرایم مندرج در ذیل ماده ۵ قانون مجازات اسلامی نمی‌باشد.

ب: اگر جاعل خود متهم نباشد در این فرض متهم اتهام جعل قابلیت انتساب به نامبرده ندارد، نسبت به اتهام استفاده از سند مجعول باید بررسی لازم انجام شود.

برای پاسخ به این سؤال باید بررسی شود که آیا مقصود از مقررات موضوع فصل پنجم قانون مجازات اسلامی در بحث مربوط به جعل، تقلب در اسناد و مهرهای داخل کشور می‌باشد. به عبارت بهتر آیا مقصود از جعل در قانون فوق، ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر، امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا الحاق و... نسبت به اسناد تنظیمی در خارج کشور و اسنادی است که توسط مقامات ایرانی تنظیم (در ایران) و در داخل کشور رواج دارد.

برای پاسخ به این سؤال دو نظر قابل بحث است: ۱- مقصود از مقررات ماهوی کیفری نسبت به اعمال ارتكابی در داخل کشور می‌باشد. سند، نوشته‌ای که در داخل کشور توسط افراد تنظیم شود (سند عادی) و یا نوشته‌ای که به موجب قانون ایران طبق مقررات توسط مقامات ذیصلاح تنظیم می‌شود بنابراین نوشته‌ای که متعلق به کشور خارجی است (پاسپورت کشور خارجی) و در خارج جعل شده، خود عمل جعل قابل پیگرد نیست و به تبع آن استفاده از سند مجعول هم قابلیت پیگیری ندارد.

نظر دوم این است که هرچند بزه جعل با استدلالات فوق قابل پیگرد نیست لکن شخصی که از سند مجعول استفاده کرده است به اتهام استفاده از سند مجعول باید تحت پیگرد قرار گیرد. در نتیجه بحث می‌توان گفت با وجود استدلالات فوق‌الذکر به نظر می‌رسد که عمل ارتكابی متهم با بند یک ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران قابل مجازات خواهد بود.

#### آقای جوهری:

همکاران محترم قضائی نظرآباد اعلام نمودند با توجه به مستقل بودن عنوان مجرمانه استفاده از سند مجعول از اصل جعل و نظر به اصل سرزمینی بودن جرائم و مجازات‌ها که در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی قانونگذار به آن اشاره کرده است ضمن تحقق

جرم استفاده از سند مجعول در ایران نیز قابل رسیدگی است و در مورد قسمت دوم سؤال نظر به اصول حاکم بر قلمرو قوانین جزایی (اصل سرزمینی بودن، اصل شخصی بودن و اصل واقعی بودن) جعل پاسپورت در ایران قابل رسیدگی نمی‌باشد.

#### آقای نصراله پور (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲ تهران):

هرچند به نظر می‌رسد که سؤال شفاف نیست علی‌احوال لازمه ورود به ایران از طریق مبادی ورود قانونی بر اساس ماده یک و دو قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مستلزم تحصیل اجازه از مأمورین مربوطه و اخذ ویزا از سفارت ایران در خارج می‌باشد و همچنین در هنگام ورود به خاک ایران در مبادی ورود اصالت و صحت پاسپورت و ویزا با ارائه به مأمورین بررسی می‌گردد. بنابراین چه ارائه به سفارتخانه جهت اخذ ویزا و روادید و چه در هنگام ورود به خاک ایران از پاسپورت مجعول استفاده می‌گردد.

همان طوری که مستحضرید با توجه به رای وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ بزه جعل و استفاده از سند مجعول دو بزه مستقل از نوع تعدد مادی می‌باشد چه مباشر آن واحد باشد و چه مختلف و همچنین سفارتخانه ایران در خارج از کشور بر اساس قوانین بین‌المللی جزو خاک ایران تلقی می‌گردد و ارتكاب بزه در آن به مثابه ارتكاب بزه در خاک ایران می‌باشد.

مضافاً اینکه پاسپورت ارائه شده به مأمورین چه خارج از کشور و چه در داخل کشور ارزش مدرکی و سندیت دارد و موجب حق و قابل استناد و استفاده می‌باشد. بنابراین هرچند بزه استفاده از سند مجعول یک بزه عاریتی و استعاریه‌ای از جعل می‌باشد ولی با توجه به بزه مستقل بودن و حاکمیت اصل سرزمینی قوانین جزایی چه در ماده ۵۰ قانون مدنی ایران و چه در ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی و اینکه منظور از عاریتی بودن نه از حیث رسیدگی و اجرای مجازات بزه «جعل» باشد بلکه از حیث اثبات و احراز بزه جعل می‌باشد لذا با توجه به مطالب مارالذکر در صورت علم و اطلاع بزه استفاده از سند مجعول محقق می‌گردد و با عنایت به بند یک ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران که بیان داشته: «ماده ۱۵: اشخاص ذیل به حبس تعزیری از یک تا ۳ سال و یا به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم می‌شوند... ۱- هرکس گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم به مجعول بودن از آنها استفاده کند و... قابل تعقیب و مجازات می‌باشند.

اما در خصوص پاسخ قسمت دوم سؤال دائر بر اینکه جعل در ایران قابل مجازات است یا خیر؟ اگر فرد جاعل پاسپورت ایرانی باشد جرم جعل و استفاده از سند مجعول در ایران قابل تعقیب می‌باشد (ماده ۱۵ قانون گذرنامه) اما اگر غیرایرانی باشد همان طوری که در بالا بیان گردید با توجه به اصل سرزمینی بودن قوانین جزایی و مواد ۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۵ قانون مدنی که اکثر اساتید حقوق قائل بر اطلاق این ماده بر قوانین مدنی و کیفری می‌باشند چون بزه جعل در خارج از حاکمیت سرزمینی ایران واقع گردیده قابل رسیدگی در ایران نمی‌باشد. اکثریت همکاران قضائی نیز بر این عقیده هستند.

#### آقای مومنی (شورای حل اختلاف):

با استفاده از مواد ۵۳۲ تا ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت: اولاً جرم استفاده از سند مجعول در ایران تحقق یافته است چرا که هنگام ورود به خاک ایران الزاماً گذرنامه جعلی را ارائه داده است اما در خصوص رسیدگی به اتهام جعل آن در خارج از قلمرو سرزمین ایران باید قائل به تفکیک شد به گونه‌ای که اگر مرتکب تابعیت ایرانی داشته باشد، طبق ماده ۷ و اگر از اتباع بیگانه باشد حسب مورد بر اساس مواد ۶ و ۸ همان قانون قابل تعقیب است.

**بزه جعل و استفاده از سند مجعول دو بزه مستقل از نوع تعدد مادی می‌باشد چه مباشر آن واحد باشد و چه مختلف**

**آقای قاسمی (مجتمع قضائی ولیمصر «عج»):**

نظریه اکثریت قریب به اتفاق: اگر شخصی با پاسپورت جعلی مربوط به کشور دیگری وارد ایران شود چون در 'ایران از آن سند مجعول (پاسپورت جعلی) استفاده شده است قطعاً جرم استفاده از سند مجعول با عنایت به محل وقوع آن تحقق یافته به استناد مواد ۴ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی مجازات می‌شود و با توجه به نظریه ۷/۳۴۴ - ۱۳۸۱/۱۲/۲۴ اداره حقوقی آنچه در قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ است راجع به مجازات جاعلین گذرنامه‌های ایرانی است و در سایر قوانین ایران نیز برای جعل گذرنامه‌های خارجی به منظور استفاده در خاک ایران مجازات پیش‌بینی نشده است. ضمناً جعل پاسپورت مذکور به استناد ماده ۳ قانون مجازات اسلامی و اصل سرزمینی بودن جرم و مجازات چون در خارج از قلمرو ایران تحقق یافته است قابل تعقیب کیفری نیست.

**آقای نهرینی (کانون وکلای دادگستری مرکز):**

اولاً اصالت یا عدم اصالت هر سندی به ویژه اسناد رسمی و جعلی نبودن آنها وابسته به مقررات کشوری است که سند مزبور در آنجا تنظیم شده است. مادتین ۹۶۹ و ۱۲۹۵ قانون مدنی متضمن همین قاعده اصولی است. النهایه در فرض سنوالت، جعلیت سند محرز است و با فرض جعلی بودن پاسپورت به این سنوالت باید پاسخ گفت.

ثانیاً مطابق شقوق ۱ و ۷ ماده ۱۵ اصلاحی مورخ ۱۳۶۷/۷/۱۴ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰/۲/۱۹، هرکس اعم از ایرانی یا خارجی گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم به مجعول بودن از آنها استفاده کند، در ایران قابل تعقیب و مجازات بوده و به حبس تعزیری از یک تا ۳ سال و یا به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. قانون فوق، قانون خاصی است و به نظر قاضی دادگاه یا مرجع تعقیب در ایران باید با رعایت مادتین ۹۶۹ و ۱۲۹۵ قانون مدنی ابتدا اصالت یا مجعولیت پاسپورت و گذرنامه مزبور را از سفارت کشور متبوعه در ایران یا از سفارت ایران در کشور خارجی که پاسپورت مزبور حسب ظاهر از آن کشور صادر و منسوب به آن است، استعلام نموده و در صورت گزارش و پاسخ استعلام واصله دایر بر مجعولیت سند، جرم استفاده از سند مجعول محقق و فی‌الواقع کشف خواهد شد. ثالثاً در پاسخ به سنوالت دیگر باید گفت که جعل پاسپورت کشور خارجی در ایران قابل رسیدگی می‌باشد. زیرا اگرچه ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، اصل سرزمینی بودن جرائم و مجازات‌ها را پیش‌بینی کرده ولی قسمتی از ماده ۴ همان قانون اعلام می‌دارد که هرگاه قسمتی از جرم در خارج واقع و نتیجه آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است.

قطع نظر از این مقررات، بند ۱ ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران اصلاحی مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ باب هرگونه تردیدی را مسدود می‌سازد. چه به طور عموم هرکس (اعم از ایرانی یا خارجی) را که گذرنامه (خواه گذرنامه ایران یا گذرنامه خارجی) جعل کند و یا با علم به مجعول بودن از آنها استفاده نماید مستوجب کیفر دانسته است. مگر می‌توان تصور کرد که عملی مطابق قانون ایران جرم باشد ولی محاکم ایرانی صلاحیت رسیدگی به آن نداشته باشند! به خلاف امور مدنی که باب تعارض قوانین در آن مفتوح بوده و محاکم ایرانی می‌توانند به دعوایی که دارای عنصر خارجی است، حسب قاعده محل تعارض، مطابق قانون ماهوی خارجی، رسیدگی و اصدار حکم نمایند (مواد ۵ الی ۹ و ۹۶۱ الی ۹۷۵ قانون مدنی). در امور جزایی، قوانین جزایی و کیفری هر کشور منحصرأ توسط دادگاه‌ها و مراجع قضائی همان کشور اعمال شده و صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی موضوع قوانین مزبور را دارند. بنابراین نمی‌توان تصور کرد که جعل

گذرنامه خارجی به قید مجازات در قانون خاص جزایی ایران (بند ۱ ماده ۱۵ قانون فوق) جرم شناخته شده و پیش‌بینی گردد ولی دادگاه‌های جزایی ایران صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته باشند. بنابراین با لحاظ مقررات فوق، به نظر جعل پاسپورت خارجی در محاکم ایران، قابل رسیدگی است.

**آقای یآوری (دادیار دادرسی دیوانعالی کشور):**

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی فعل و یا ترک فعلی جرم محسوب شده که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و مطابق ماده ۵ قانون مذکور جعل فرمان یا دست‌خط یا مهر یا امضاء رهبری و جعل نوشته رئیس جمهور و استفاده از آن و جعل اسکناس رایج ایران و شبیه‌سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخله جرم شناخته شده است. در مواد ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و بند ۵ ماده ۵۲۵ و مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی شبیه‌سازی مسکوکات طلا و نقره و مسکوکات رایج ایرانی و خارجی و جعل اسکناس رایج داخلی و خارجی و نیز جعل مدارک تحصیلی دانشگاه‌های داخل یا خارج از کشور و استفاده از آن جرم محسوب شده ولی در مورد جعل سایر مدارک خارجی از جمله گذرنامه خارجی، قانون ساکت است و در قانون گذرنامه نیز از گذرنامه خارجی صحبتی به میان نیامده است و با این توصیف می‌توان گفت، جعل گذرنامه خارجی و استفاده از آن جرم نیست مگر اینکه این عمل در قالب جرم دیگری قابل تعقیب باشد مثلاً کسی که با اخذ وجوهی از مردم گذرنامه کشور خارجی را جعل کند و در اختیار آنان قرار دهد به عنوان کلاهبردار یا از باب تحصیل نامشروع مال قابل تعقیب خواهد بود. ضمناً بند یک ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران که مقرر داشته «هرکس گذرنامه یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم به مجعول بودن از آنها استفاده کند...» ظاهراً ناظر به گذرنامه ایرانی است زیرا عبارات «جواز اقامت و جواز عبور» که بعد از گذرنامه ذکر شده، مدارکی است که توسط مقامات ایرانی صادر و در اختیار اشخاص قرار می‌گیرد. بنابراین به عقیده اینجانب، جعل گذرنامه خارجی و استفاده از آن تحت عنوان خاص جرم جعل و استفاده از سند مجعول قابلیت تعقیب کیفری ندارد.

**آقای رضوانفر (دادسرای انتظامی قضات):**

گذرنامه‌های ایرانی را قانون مشخص کرده و ایرانی هم باشد مشخص است ولی بحث این است در اسناد خارجی ما نمی‌دانیم آنها چه چیزی را جعل می‌دانند و مجازات جعل آنها به چه نحو است تا بگوییم در یک کشور خارجی این گذرنامه جعلی است. جعل بودن در قانون ما تعریف شده این تعریف جعل ما سرایت نمی‌کند به آن تعریفی که آنها دارند و ما از آن اطلاعی نداریم بنابراین جعل گذرنامه خارجی در ایران نمی‌تواند جرم باشد مگر اینکه عمل متقابل داشته باشیم گذرنامه جعلی ایران را آنها جعل بدانند و بررسی بکنند با توجه به تعارض قوانین آن چیز دیگری است ولی بحث این است که این موضوع متقابل را نداریم اما با توجه به موضوع سوال گذرنامه‌ای داریم که جعلیت آن اثبات شده ما نمی‌خواهیم اثبات کنیم که جعل است یا نیست چون سنوالت گفته گذرنامه جعلی است ما همیشه می‌گوییم سنوالت حمل می‌شود به وجه مثبت آن به همین جهت منفی را از آن در نمی‌آوریم مثلاً بگوییم شاید اثبات نشده باشد بنابراین می‌گوییم این گذرنامه جعلی است همچنین نمی‌دانیم که سندهای رسمی خارجی را در عداد سندهای عادی خومان قرار دهیم یا در عداد سندهای رسمی وارد آن نمی‌شویم پس مسئله جعل را ما بررسی نمی‌کنیم حالا این شخص که با پاسپورت جعلی وارد ایران شده بنابراین استفاده از سند جعلی محرز است اگر گذرنامه جعلی نبود ورودش به ایران صحیح بوده اما چون گذرنامه جعلی است و اثبات شده بنابراین

**جعل گذرنامه خارجی و استفاده از آن جرم نیست مگر اینکه این عمل در قالب جرم دیگری قابل تعقیب باشد مثلاً کسی که با اخذ وجوهی از مردم گذرنامه کشور خارجی را جعل کند و در اختیار آنان قرار دهد به عنوان کلاهبردار قابل تعقیب خواهد بود.**

باید گفت او بدون گذرنامه به ایران آمده اگر از این سند جعلی استفاده نمی‌کرد می‌گفتیم ورودش غیرمجاز است ولی وقتی که در لابه‌لای این سند جعلی به ایران آمده و از آن استفاده کرده لذا استفاده از سند مجعول محرز است چرا بگوییم استفاده از سند مجعول نکرده است.

بنابراین دو موضوع است اولاً کاری به ایرانی نداریم ایرانی چه انجام داده باشد چه نداده باشد قانون مشخص کرده بحث این است شخص گذرنامه‌ای را جعل کرده حالا خودش جعل کرده یا برایش جعل کرده‌اند به هر شکلی در دسترس او قرار داده‌اند اکنون که با این سند وارد ایران شده اگر تشخیص بدهیم استفاده نکرده می‌گوییم ورود غیرمجاز اما اگر استفاده کرده استفاده از سند مجعول است با اینکه سند خارجی است اگر مجعول نبود ورودش هم مجاز بود حالا که جعلی است و استفاده کرده نمی‌گوییم این سند خارجی است بلکه سند مذکور سندی جعلی است که به اتکای آن وارد کشور شده بنابراین جرم استفاده از سند مجعول قابل رسیدگی است. بقیه چیزها خیر.

#### آقای طاهری (مجمع قضائی شهید صدر):

کلمه «شخص» مندرج در فرض سوال قابل تفکیک است به شخص ایرانی و شخص غیرایرانی چگونه می‌شود شخص ایرانی وارد کشور شود در حالی که پاسپورت جعلی داشته باشد فروش مختلف وجود دارد ممکن است یک ایرانی دو تابعیتی باشد یعنی تابعیت مضاعف داشته باشد مثلاً با پاسپورت جعلی کشور دوم وارد کشور شود یا اینکه یک ایرانی که با هویت جعلی به خارج از کشور رفته می‌خواهد وارد کشور شود این فرض اول سوال است بنابراین یک ایرانی به هر دلیل وارد کشور شود با پاسپورت جعلی صرف‌نظر از جرایم دیگر که ممکن است متوجه او شود از باب جعل پاسپورت و استفاده از سند مجعول قابل تعقیب است با توجه به مواد ۶ و ۷ آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و نصوص دیگری که وجود دارد و به خصوص ماده ۱۵ گذرنامه اکثریت همکاران در مجمع معتقد بودند این فرد قابل تعقیب است به علت اینکه مقررات کشور در این خصوص صریح است زیرا که هم در قانون گذرنامه و هم در قانون مقررات مربوط به جعل وجود دارد این فرد قابل تعقیب خواهد بود. بدون استثناء، منتهی در مورد جعل اگر خود جعل کرده یک موضوع است و یا فقط از سند مجعول استفاده کرده موضوع دیگری است.

ممکن است بگوییم این جرم خارج از کشور واقع شده و ارتباطی به کشور ما ندارد ولی با توجه به استفاده از سند مجعول در کشور ما طبق ماده ۱۵ قانون گذرنامه بند ۷ و بند ۱ قابل تعقیب خواهد بود اما در مورد جعل اگر فرد خارجی باشد قابل تعقیب نخواهد بود زیرا اصل سرزمینی بودن قوانین یعنی تمام قوانین که راجع به کشور ما است مربوط به اتباع کشور ایران است حتی اگر خارج از کشور مرتکب جرمی شده باشد و نتیجه‌اش در ایران واقع شود قابل تعقیب خواهند بود بنابراین غیرایرانی قابل تعقیب نخواهد بود.

دوم اینکه در رابطه با جعل فرد خارجی صراحتی در قانون وجود ندارد و به همین جهت باید موضوع را مضمون تبعه ایرانی بدانیم در مجمع اکثریت همکاران معتقد بودند فرد خارجی در مورد جعل قابل تعقیب نخواهد بود.

#### آقای محمدی (دادگاه عمومی بخش گلستان):

سوال این است چنانچه پاسپورت خارجی در خارج از کشور جعل شود و جعل یا دارنده آن پاسپورت با ورود به ایران از آن سند مجعول استفاده کند اولاً: آیا این جعل مطابق قوانین ایران جرم است؟ ثانیاً: آیا استفاده از چنین سند

### جعل پاسپورت خارجی، آن هم جعل آن در خارج از کشور ایران، جعل محسوب نمی‌شود و قانونگذار استفاده از چنین سند مجعولی را جرم ندانسته است

مجموعی در ایران جرم محسوب می‌شود؟ با ملاحظه ماده ۵۲۳ و مواد بعدی آن از قانون مجازات اسلامی و بند ۱ ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ با اصلاحیه‌های بعدی آن قانون، قانونگذار ما جعل گذرنامه داخلی ایران و جعل جواز اقامت صادره از ناحیه مسئولان ایران یا جعل جواز عبور صادره مربوط به کشور ایران را جعل اعلام نموده است.

پس اولاً: جعل پاسپورت خارجی، آن هم در خارج از کشور ایران، جعل محسوب نمی‌شود. ثانیاً: قانونگذار استفاده از چنین سند مجعولی را هم جرم ندانسته است و باید توجه داشت که قانونگذار وقتی عملی را جعل نداند به تبع آن استفاده از سند ولو به ظاهر مجعول را هم خود به خود، جرم نمی‌داند و این امر با نظر به ماده ۵۲۳ و بعد آن ماده از قانون مجازات اسلامی کاملاً مشهود است البته قانونگذار ممکن است اراده کند صرفاً فعلی را جعل و آن را جرم اعلام نماید بدون آنکه استفاده از آن سند را جرم بداند و نیز قانونگذار ممکن است استفاده از اسناد مجعول را به عنوان یک جرم مستقل اعلام و برای آن مجازات معین نماید ولیکن جعل آن سند را جرم اعلام ننماید زیرا همان طوری که واقفیم جعل و استفاده از سند مجعول تعدد مادی محسوب و هر یک جرم مستقلی محسوب می‌شوند ولیکن قانونگذار ما چنین اراده را با توجه به قوانین موجود ننموده است و هر عملی را که جعل اعلام نموده است به دنبال آن استفاده از آن سند مجعول را نیز جرم دانسته است و از طرف دیگر مجوز شروع به رسیدگی علاوه بر دارا بودن شرایط صلاحیت قانونی، جرم بودن موضوع معنونه است لذا به لحاظ جرم نبودن موضوع معنونه ماحق رسیدگی نداشته و مبادرت به صدور قرار منع تعقیب خواهد نمود.

نظریه قریب به اتفاق اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۸۶/۲/۶):

با توجه به فرض سنوال جعل گذرنامه مذکور خارج از ایران صورت گرفته و جعلی بودن آن محرز است به همین جهت در صدد اثبات جعل نخواهیم بود به این ترتیب اگر شخص موضوع سنوال شخصاً مرتکب جعل گذرنامه یاد شده گردیده باشد یا دیگری جعل کرده و در اختیار وی قرار داده و او نیز با علم و اطلاع از جعلی بودن آن استفاده نموده باشد از حیث اینکه نامبرده خارجی است یا ایرانی موارد ذیل در ایران قابل رسیدگی خواهد بود:

۱- اگر خارجی باشد و جعل هم توسط وی انجام گرفته باشد با توجه به ماده ۵ قانون مجازات اسلامی جرم مذکور در ایران قابل رسیدگی نخواهد بود. مگر در مورد جرائمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که به دست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد. (ماده ۸ قانون مجازات اسلامی).

۲- اما اگر با علم و اطلاع از گذرنامه مجعول موضوع سنوال در ایران استفاده کرده باشد برابر بند ۱ ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مجازات خواهد شد در غیر این صورت ورود و اقامت وی در ایران غیرمجاز بوده به عنوان ورود و اقامت غیرمجاز قابل تعقیب خواهد بود.

۳- اگر شخص یاد شده ایرانی باشد و جعل هم از ناحیه وی صورت گرفته باشد به موجب ماده ۷ قانون مجازات اسلامی هم از حیث جعل و هم از حیث استفاده از سند مجعول تحت پیگرد قرار خواهد گرفت اما اگر مرتکب جعل نشده باشد لیکن با علم و اطلاع از گذرنامه مجعول موضوع سنوال استفاده کرده باشد تحت همین عنوان قابل تعقیب خواهد بود.

سئوال ۳۷۹ - با توجه به مقررات جزایی مواد ۱۷۴ به بعد قانون کار (و صرف نظر از ماده ۱۷۳ همان قانون) در خصوص میزان جزای نقدی حداقل مزد روزانه یک کارگر در چه زمانی ملاک عمل می‌باشد؟ تاریخ صدور حکم، تاریخ تادیه و یا...



آقای نصراله پور (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲ تهران):  
با عنایت به اینکه قانونگذار به صراحت در ماده ۱۷۳ قانون کار یعنی یک ماده قبل، ملاک محاسبه جریمه نقدی را تاریخ صدور حکم دانسته و بلافاصله در ماده بعد یعنی ماده ۱۷۴ همان قانون سکوت نموده به نظر می‌رسد سکوت قانونگذار در مقام بیان بوده است و تعدا اشاره‌ای به تاریخ صدور حکم ننموده است چرا که اگر ضرورت داشت به صراحت بیان می‌نمود.  
مضافاً اینکه جزای نقدی نوعی مجازات است که بر مشتکی عنه بازمی‌گردد و با عنایت به سکوت قانونگذار و شک در این که ملاک تاریخ صدور حکم است یا تاریخ تحقق بزه یا اجرای حکم و غیره، می‌بایست در زمان شک به نفع متهم تفسیر نمود و ملاک را بر تاریخ وقوع جرم گذاشت که همیشه میزان جزای نقدی آن کمتر (اخف) از زمان صدور حکم می‌باشد مگر اینکه بعداً بر اساس قانون میزان جریمه کمتر از زمان وقوع جرم باشد که در این صورت با عطف به ماسبق شدن مجازات اخف اقدام می‌گردد.

همچنین از ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اعمال قانون و مجازات اخف موضوع می‌توان استنباط نمود که نظر قانونگذار اصولاً بر اعمال مجازات اخف بر مشتکی عنه می‌باشد مگر اینکه خود قانونگذار صراحتاً بر اعمال مجازات اشد تأکید داشته باشد.  
بنابراین ملاک محاسبه تاریخ وقوع جرم می‌باشد نه زمان دیگر مگر اینکه بعداً قانون اخفی وضع گردد که وفق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی اقدام می‌گردد. نظر اکثر همکاران قضائی دادسرا نیز بر این اساس می‌باشد.

#### آقای مومنی (شورای حل اختلاف):

به نظر می‌رسد با توجه به اینکه بدهی‌های کارفرما به هر حال جزء دیون او به شمار می‌رود، در صورت عدم تادیه یا تأخیر در آن، بر اساس ماده ۱۷۱ ق.ک و نیز ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی آرای قطعی هیات‌های تشخیص و حل اختلاف و ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ناظر به ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب دهم آبان ۱۳۷۷ و مادتهای ۱۷ و ۱۸ آیین‌نامه اجرایی آن (مصوب ۱۳۷۸) با رعایت مقررات قانون اجرای احکام مدنی «در صورت مطالبه ذینفع» تاریخ تادیه ملاک باشد.

#### آقای پسندیده (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ تهران):

با عنایت به اینکه اصل بر قانونی بودن جرایم و مجازات می‌باشد. هرکسی که بخواهد مجازات شود باید به موجب قانون مدون باشد. با شبهه و وحدت ملاک و استقراء نمی‌توان کسی را مجازات کرد. اصل قانونی بودن جرایم، قبح عقاب بلا بیان و اصل تفسیر قوانین کیفری ماهوی به متهم و تفسیر مضیق از قوانین کیفری. از مسلمات حقوق کیفری می‌باشد. بنابراین در حکومت این اصول تردیدی باقی نیست. در تمام قوانین از جمله قانون کار این امر باید رعایت شود.

در قانون کار بنا بر عللی نامعلوم در برخی از موارد در بحث مجازات کارفرمایان به لحاظ ارتکاب جرایم و تخلفات موضوع قانون کار از این اصول و قواعد عدول شده است از جمله در ماده ۱۷۳ این قانون ملاک محاسبه جزای نقدی، حداقل مزد کارگر در زمان صدور حکم محاسبه شده است در حالی که باید حداقل مزد کارگر در زمان ارتکاب تخلف یا جرم از جانب کارفرما محاسبه شود. به طور خلاصه آنچه به عنوان نتیجه بیان می‌شود این است که در تفسیر مواد قانون کار در بحث جرایم و مجازات‌ها باید در اجرای اصول و قواعد فوق‌الذکر، بنا بر این باشد که در موادی که قانونگذار به صراحت اعلام نظر نموده و زمان مبنای محاسبه جریمه کارفرما را اعلام داشته است تکلیف روشن است در غیر این صورت باید زمان مبنای محاسبه زمان وقوع تخلف و جرم باشد.

بنابراین در مورد سنوال، ماده ۱۷۴ قانون کار باید زمان وقوع تخلف محاسبه شود نه اینکه با وحدت ملاک از ماده ۱۷۳ قانون فوق زمان صدور حکم.

#### آقای جوهری (دادگستری نظرآباد):

با توجه به اصل تفسیر به نفع متهم ملاک زمان تخلف کارفرما می‌باشد.

#### با توجه به مقررات

#### جزایی مواد ۱۷۴ به

#### بعد قانون کار (و صرف

#### نظر از ماده ۱۷۳ همان

#### قانون) در خصوص

#### میزان جزای نقدی

#### حداقل مزد روزانه یک

#### کارگر در چه زمانی

#### ملاک عمل می‌باشد؟

#### تاریخ صدور حکم،

#### تاریخ تادیه و یا...

#### آقای یآوری (دادیار دادسرای دیوانعالی کشور):

ماده ۱۷۳ قانون کار مقرر داشته: «متخلفان از هر یک از موارد مذکور در مواد ۱۴۹ و... به پرداخت جریمه نقدی از هفتاد تا یکصد و پنجاه برابر حداقل مزد روزانه رسمی یک کارگر در تاریخ صدور حکم محکوم خواهند شد...» با توجه به اینکه در ماده ۱۷۳ عبارت «جریمه نقدی» به کار رفته و در مواد بعدی نیز از همین عبارت استفاده شده و با توجه به اینکه ویژگی خاصی در ماده ۱۷۳ وجود ندارد که بگوییم قانونگذار با لحاظ این خصوصیت ماده ۱۷۳ را مستثنی کرده است و با توجه به اینکه تکرار یک عبارت در همه مواد بعدی شیوایی کلام در قانونگذاری را کاهش می‌دهد لذا به عقیده اینجانب در تخلفات مذکور در مواد ۱۷۴ به بعد قانون کار و از جمله ماده ۱۸۳ قانون مذکور (موضوع سنوال ۳۸۰) ملاک جریمه نقدی تاریخ صدور حکم است.

#### آقای فراهانی (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ تهران):

نظر من مخالف نظرهای ابرازی است زیرا در ماده ۱۷۳ صراحت قانونی وجود دارد. همکاران خیلی سریع می‌روند سراغ تفسیر به نفع متهم اگر قرار باشد تفسیر به نفع متهم را در اولویت تفسیر قرار بدهیم دیگر از هر موضوعی که دچار ابهام و اختلاف می‌شویم



خیلی راحت می‌توانیم برویم تفسیر به نفع متهم و این همه بحث قانونی نکنیم.

تفسیری که در اولویت اول قرار می‌گیرد معروف به تفسیر منطقی است که این تفسیر به نیت قانونگذار نزدیک‌تر است اگر خودمان را به جای قانونگذار بگذاریم وقتی می‌خواهند قانونی بنویسند از جهت قانون‌نویسی خیلی ناپسند است که بیایند یک قیدی را در هر ماده‌ای تکرار کنند در ماده ۱۷۳ این قید آمده «در تاریخ صدور حکم» حالا باید در مواد ۱۷۴ و... تکرار کنند «در تاریخ صدور حکم» این شیوه قانون‌نویسی درست نیست اگر تجربه پیش‌نویس تنظیم کردن مقررات را داشته باشیم یا مشروح مذاکرات مقننین را دیده باشیم غالباً سعی می‌کنند مواد به گونه‌ای نوشته شود که از تکرار زاید یک سری عبارات کاسته شود وقتی قانونگذار در چند ماده صحبت از مجازات‌ها می‌کند در ماده ۱۷۳ که در ردیف اول یعنی مقدم بر مواد دیگر قرار گرفته قید شده «در تاریخ صدور حکم» لذا چنین برداشت می‌شود که نظر قانونگذار این بوده که این قید در مواد بعدی هم تسری دارد لذا نباید دچار این مشکل شویم تا گفته شود در ماده ۱۷۳ می‌گویید «در تاریخ صدور حکم» اما در ماده ۱۷۴ یا مواد دیگر می‌گویید طوری دیگر مگر این مواد ماهیتاً چه فرقی با هم دارند ماده ۱۷۳ از حیث نیت قانونگذار یا ماهیت اعمال ارتكابی چه تفاوت و چه تمایز خاصی نسبت به ماده ۱۷۴ دارد که بگوییم قانونگذار در ماده ۱۷۳ در مقام بیان تصریح کرده و در ماده ۱۷۴ در مقام بیان بوده سکوت کرده است و در اینجا باید تفسیر به نفع متهم بکنیم.

این مواد همه از یک ماهیت برخوردارند صحبت از مجازات یک سری جرائمی می‌کند که در یک صنف یا در یک غالب قرار گرفته لذا دو نوع حکم دادن با تفسیر منطقی سازگار نیست ضمن اینکه در اجرای احکام هم به مشکل برخورد می‌کنیم البته این بحث استحضانی است نمی‌خواهیم ریشه‌ای کنیم کمک به استدلال اول من است امکان دارد کارفرما در یک طول زمانی مدیری تخلف کرده باشد یعنی در سه سال این تخلف را داشته لذا سه نرخ باید داشته باشیم کدام را عمل کنیم یا شاید مستمر نبوده برای تعدادی از کارگراها در یک سال تخلف کرده و برای تعدادی دیگر یک سال دیگر. بنابراین در بحث اجرای احکام در محاسبه میزان مجازات به یک سری اشکالات و ابهامات برخورد می‌کنیم لذا بهتر است همان تصریحی که قانونگذار در ماده ۱۷۳ قید نموده ملاک عمل قرار دهیم.

#### آقای طاهری (مجمع قضائی شهید صدر):

در امور کیفری تفسیر ممنوع است مگر اینکه لازم باشد به نفع متهم تفسیر کنیم این تفسیر باید منطقی باشد اتفاقاً برای جلوگیری از تهافت آراء قانونگذار در اصول کلی چنین تفسیری را پذیرفته تا با هم اختلاف نکنیم جایی که قانونگذار اراده خودش را تحمیل نکرده است جایی که قانونگذار به سهو، به اشتباه، به ابهام، به سکوت یا به اجمال مطلبی را نگفته نباید دنبال تفسیر برویم در مجتمع قریب به اتفاق معتقد بودند دادگاه باید مبلغ کمتر را اعمال کند.

#### آقای رضوانفر (دادسرای انتظامی قضات):

وقتی در ماده ۱۷۳ نص داریم که گفته مجازات حداقل مزد در زمان صدور حکم، موضوع روشن است. چرا بگوییم ابهام است بیایم به نفع کارگر تفسیر کنیم متهم نفع دیگری ندارد وقتی یک بار آمده «در زمان صدور حکم» ما دیگر مجاز نیستیم بگوییم ابهامی وجود دارد تا بر اساس ابهام نظر بدهیم سنوال درست طرح شده وقتی در ماده ۱۷۳ ذکر شده حداقل مزد در زمان صدور حکم لیکن در مواد دیگر ذکر نشده نظر سنوال کننده این بوده که در بین این مواد تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

بنابراین اشکالی در سنوال نیست ما باید توجه داشته باشیم که ابهامی نیست تا به نفع متهم تفسیر کنیم.

قانونگذار صلاح دانسته زمان صدور حکم را در نظر بگیریم نباید این حکم قانونی را نادیده بگیریم لیکن جایی که ابهام وجود دارد از تفسیر مضیق به نفع متهم استفاده می‌کنیم البته یکی از همکاران این موضوع را رد کرد که قابل رد نیست تفسیر به نفع متهم همان چیزی است که از آن به تفسیر مضیق یاد می‌کنند که بهتر است در جای خود به کار رود.

#### نظریه اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۸۶/۲/۶):

**اکثریت:** مبنای محاسبه جزای نقدی در ماده ۱۷۴ قانون کار باید حداقل مزد روزانه یک کارگر در زمان وقوع بزه تعیین گردد نه در زمان صدور حکم چرا که برابر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها تعیین مجازات برای مجرم باید به موجب صراحت قانونی باشد و با شبهه و وحدت ملاک و استقراء نباید کسی را مجازات کرد لذا در پاسخ به سنوال مذکور باید گفت ماده ۱۷۳ قانون کار به صراحت ملاک محاسبه جزای نقدی را برای کارفرمای متخلف به پرداخت جریمه نقدی از هفتاد تا یکصد و پنجاه برابر حداقل مزد روزانه رسمی یک کارگر در تاریخ صدور حکم تعیین کرده است لیکن در ماده ۱۷۴ اشاره‌ای مبنی بر تاریخ صدور حکم نکرده است و نظر صائب نیز این بوده که صرف نظر از مبنای محاسبه در ماده ۱۷۳ به سنوال پاسخ داده شود بنابراین با تحقق شک و تردید از حیث مبنای مجازات در ماده ۱۷۴ لازم است که از اصل تفسیر به نفع متهم استفاده نماییم و نفع متهم هم در این است که مجازات وی در تاریخ وقوع جرم تعیین گردد که اخف از تعیین مجازات در تاریخ صدور حکم می‌باشد.

**اقلیت:** ملاک جزای نقدی در ماده ۱۷۴ نیز باید تاریخ صدور حکم باشد زیرا ماده ۱۷۳ که مقدم بر مواد ۱۷۴ و... تدوین گردیده در آن قید شده «تاریخ صدور حکم» با توجه به شیوه قانونگذاری دیگر نیازی به تکرار این قید در مواد بعدی نبوده تا قانونگذار به آن اشاره کند ضمن اینکه ویژگی خاصی هم در ماده ۱۷۳ وجود ندارد تا بگوییم قانونگذار به لحاظ آن ماده مذکور را استثناء کرده است همه این مواد از یک ماهیت برخوردارند زیرا که صحبت

از یک سری جرائمی است که در یک صنف یا در یک غالب قرار گرفته‌اند و ابهامی وجود ندارد تا از اصل تفسیر به نفع متهم استفاده کنیم. بنا به مراتب فوق نباید حکم قانونی ماده ۱۷۳ را نادیده بگیریم و برای جرائمی که در یک صنف قرار دارند دو نوع حکم صادر کنیم.

**سوال ۳۸۰ -** در ماده ۱۸۳ قانون کار، در صدور حکم به نادیه کلیه حقوق متعلق به کارگر (سهم کارفرما) چه زمانی ملاک اجرا می‌باشد آیا باید میزان سهم کارفرما و واریز به حساب سازمان تامین اجتماعی بر اساس زمان وقوع جرم یعنی تاریخ بیمه نمودن یا زمان صدور حکم یا تاریخ اجرا و نادیه از سوی کارفرما محاسبه شود؟

**آقای نصراله پور:**

به نظر اینجانب می‌بایست زمان ارتکاب تخلف ملاک عمل قرار گیرد چون با عدم پرداخت حق بیمه به صورت ماهیانه یا سالانه به حساب سازمان تامین اجتماعی ذمه مشتکی عنه (مدیران) از آن تاریخ مشغول می‌گردد و مکلف است علاوه بر محکومیت کیفری از حیث تخلف مدنی و ورود خسارت نیز جبران خسارت نماید.

اما با توجه به مواد مختلف قانون تامین اجتماعی من جمله مواد ۲۶ و تبصره آن و ماده ۹۸ و ۹۹ همان قانون و قانون آیین دادرسی مدنی خسارت تاخیر نادیه یا دیرکرد نیز می‌بایست پرداخت نماید.

**آقای جوهری:**

بر اساس معیار پاسخ به سوال ۳۷۹ محاسبه می‌شود.

**آقای پسندیده:**

با استدلال سوال ۳۷۹ پاسخ داده شود.

**آقای مومنی:**

همانند پاسخ سوال ۳۷۹ محاسبه خواهد شد.

**آقای نهرینی (کانون وکلای دادگستری مرکز):**

به نظر می‌رسد با توجه به وجود قرآنی که در متن ماده ۱۸۳ قانون کار وجود دارد، زمان وقوع تخلف و جرم، ملاک تعیین میزان سهم کارفرما است. زیرا در ماده ۱۸۳ قید شده که کارفرما باید کلیه حقوق متعلق به کارگر (سهم کارفرما) را نادیه کند که پرواضح است سهم کارفرما بر اساس حقوق قانونی و واقعی متعلق به کارگر و مطابق با مصوبات وزارت کار و تامین اجتماعی مربوط به هر سال تعیین خواهد شد.

به همین ترتیب ماده ۱۸۳ در ادامه می‌افزاید که جریمه نقدی کارفرما با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم معادل دو تا ده برابر حق بیمه مربوطه تعیین خواهد شد. در این قسمت نیز عبارت «حق بیمه مربوطه» ناظر بر حق بیمه‌ای است که بر اساس حقوق متعلق به کارگر (سهم کارفرما) تعیین و محاسبه می‌گردد. بنابراین زمان وقوع جرم و تخلف کارفرما، ملاک تعیین جریمه نقدی کارفرما است.

**نظر به اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۱۳۸۶/۲/۶):**  
اکثریت: پاسخ این سوال (۳۸۰) نیز همان است که در سوال ۳۷۹ در خصوص ماده ۱۷۴ قانون کار توسط اکثریت ارائه گردید یعنی مبنای محاسبه جریمه نقدی باید زمان وقوع جرم باشد.

**اقلیت:** پاسخ این سوال نیز بر اساس استدلال و استناد ارائه شده در سوال ۳۷۹ می‌باشد که توسط اقلیت ارائه گردید یعنی محاسبه جریمه نقدی باید در زمان صدور حکم ملاک محاسبه قرار گیرد.

**سوال ۳۸۱ -** در بزه مزاحمت تلفنی کدام مرجع قضائی صالح به رسیدگی است؟ محل تماس گیرنده یا مخاطب؟

**آقای پسندیده (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ تهران):**

آنچه که از مقررات حقوق کیفری استنباط می‌شود این است که مجرم در محل وقوع جرم باید محاکمه شود. به موجب ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاهها در صورت وجود جهات قانونی در موارد ذیل شروع به تحقیق می‌کنند: الف - جرم در حوزه قضائی آن دادگاه واقع شده باشد و... و به موجب ماده ۵۴ قانون فوق متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن دادگاه واقع شده باشد. حال سؤال این است که محل وقوع جرم کجاست؟ آیا در وقوع جرم عمل ارتكابی متهم باید ملاک محل وقوع جرم باشد یا نتیجه حاصله که همان تاثیر عمل مجرمانه است؟

در بزه مزاحمت تلفنی این بحث قابل تامل است؟ مزاحمت تلفنی یعنی چه؟ آیا تماس‌های پی‌درپی بدون پاسخ مخاطب ارکان جرم مزاحمت تلفنی را محقق کرده است؟ آیا منظور از مزاحمت تلفنی این است که شخص با ایجاد ارتباط تلفنی با شخصی باعث اذیت و آزار روحی شخص شود؟

آیا در بزه مزاحمت تلفنی استفاده از الفاظ رکیک و توهین و فحاشی شرط تحقق بزه می‌باشد؟ آیا اگر مخاطب تلفن همراه باشد حکم تلفن ثابت را دارد؟ آیا شرط تحقق بزه این است که مخاطب خودش پاسخگو باشد؟ یا اگر تماس تلفنی حاصل شود و اظهارات تماس گیرنده در پیغامگیر تلفن ثبت شود، جرم محقق شده است؟ آنچه که مختصراً به عنوان پاسخ به این سئوالات می‌توان ارائه نمود این است که در بزه مزاحمت تلفنی که عبارت است از اذیت و آزار شخص به وسیله تماس و ارتباط تلفنی غیرقانونی که شخص مخاطب تمایل به این امر نداشته و نارضایتی خود را اعلام می‌دارد، محل وقوع جرم محل استقرار مخاطب می‌باشد چرا که وقوع جرم که عبارت است از اذیت و اذیت مخاطب در آن محل می‌باشد، صرف تماس تلفنی بدون پاسخ و یا بدون دریافت پیام از طریق پیغامگیر باعث تحقق بزه نیست.

تماس پی‌درپی بدون اینکه عمل خاصی از جانب تماس گیرنده حاصل شود که باعث آزار و اذیت مخاطب شود باعث تحقق بزه نیست مگر اینکه این عمل مسبوق به مکالمه قبلی باشد. در بزه مزاحمت تلفنی، استفاده از الفاظ رکیک و فحاشی و توهین شرط نیست. این گونه اعمال و رفتار خودشان عنوان مجرمانه دیگری دارند. در فرضی که مخاطب تلفن همراه باشد حوزه قضائی که تلفن همراه در آن حوزه ثبت شود صلاحیت به رسیدگی دارد. خلاصه کلام اینکه در هر فرض، دادگاه مخاطب تماس تلفنی، صالح به رسیدگی می‌باشد.

**آقای مومنی (شورای حل اختلاف):**

اولاً - از نظر مقررات قانونی به خصوص مواد ۵۱ و ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به ارکان جرم (مادی و معنوی) که در محل استقرار تماس گیرنده (مزاحم تلفنی) تحقق می‌یابد، پس دادگاه محل وقوع جرم که همان دادگاه محل تماس است، صالح به رسیدگی است هرچند نتیجه جرم در حوزه دیگری (در محل مخاطب تماس) حاصل شده باشد. ثانیاً از حیث کشف جرم و ضمانت اجرای مجازات (به منظور برخورد با مالک تلفن مطابق مقررات مخابرات) نیز پیگیری و تعقیب جرم در همان محل تماس گیرنده آسان‌تر است.

**آقای جوهری (دادگستری نظر آید):**

صلاحیت دادگاهها بر اساس عنصر مادی جرم مشخص می‌شود لذا در فرض مانحن فیه با توجه به این عنصر در مرجع مخاطب کامل می‌شود مرجع قضائی حوزه سکونت مخاطب صالح به رسیدگی می‌باشد.

**در بزه مزاحمت تلفنی، محل وقوع جرم محل استقرار مخاطب می‌باشد چرا که وقوع جرم که عبارت است از اذیت و اذیت مخاطب، در آن محل می‌باشد، صرف تماس تلفنی بدون پاسخ و یا بدون دریافت پیام از طریق پیغامگیر باعث تحقق بزه نیست.**

**آقای نصراله پور (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲ تهران):**  
در پاسخ سؤال باید عرض نمایم که با برقراری تماس و وصل شدن، به محل مخاطب رکن مادی جرم کامل می‌گردد و بزه مزاحمت تلفنی محقق می‌گردد چرا که قبل از برقراری ارتباط و وصل شدن، محل مخاطب امر عدمی است و «العدم کل معدوم» و جرمی واقع نشده است بنابراین می‌بایست ملاک مرجع صالح رسیدگی را محل مخاطب بدانیم که رکن مادی نیز مزاحمت تلفنی کامل می‌گردد.

**آقای نهرینی (کانون وکلای دادگستری مرکز):**

به نظر می‌رسد اصولاً مرجع قضائی محل مخاطب صلاحیت رسیدگی داشته باشد. زیرا به هر رو جرم مزاحمت در محل مخاطب واقع و محقق می‌شود. به ویژه آنکه جرم زمانی تحقق می‌یابد که عنصر مادی جرم، ارتکاب یافته و به مرحله اجرا درآید و بنابراین محل وقوع جرم نیز همان محل تحقق و اجرای عنصر مادی جرم است. البته ماده ۵۱ آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۷۸ سه مرجع و حوزه قضائی مختلف را از حیث محلی، واجد صلاحیت جهت شروع به تحقیق و رسیدگی اعلام می‌نماید. این سه حوزه قضائی به ترتیب عبارتند از: محل وقوع جرم، محل کشف جرم و یا محل دستگیری متهم و محل اقامت متهم یا مظنون به ارتکاب جرم. بنابراین لزوماً محل وقوع جرم، تعیین کننده صلاحیت مرجع رسیدگی نیست و هر یک از مراجع جزایی محلی سه‌گانه فوق می‌توانند حسب مورد و به اقتضای وجود جهات قانونی. شروع به تحقیق و رسیدگی نمایند.

التهایه اصولاً در میان حوزه‌های قضائی مختلف، صلاحیت مرجعی که جرم در حوزه آن واقع شده، ترجیح بیشتری نسبت به سایر حوزه‌ها دارد اگرچه چنین ترتیب و الویتی در متن ماده ۵۱ آ.د.ک جدید به چشم نمی‌خورد. به هر حال اگر ملاک عمل در چنین مواردی صرفاً محل وقوع جرم باشد، با توجه به مطالب پیش گفته و صدرالذکر، محل مخاطب را باید محل وقوع جرم دانست.

**آقای یآوری (دادیار دادرسی دیوانعالی کشور):**

مطابق قانون مجازات اسلامی هر جرمی در قالب فعل یا ترک فعل امکان ظهور و بروز دارد. مزاحمت تلفنی به صورت فعل حادث می‌شود (گرفتن شماره تلفن مخاطب یا ادای کلمات زشت...) بنابراین محل وقوع جرم مذکور محل تماس گیرنده است به علاوه، گفتن کلمات زشت (فحاشی) جرم است نه شنیدن و استماع آن فلذا به عقیده اینجانب دادگاه صالح به رسیدگی دادگاه محل تماس گیرنده است. نمونه آرای از دو شعبه دیوان کشور موجود است که در مقام حل اختلاف، دادگاه محل تماس گیرنده را صالح به رسیدگی می‌دانند.

**آقای محمدی (دادگاه عمومی بخش گلستان):**

جواب: نظر اول: همان طوری که واقفیم شروع به جرم، شروع به عملیات اجرایی و عدم وقوع جرم است، در جرم ایجاد مزاحمت تلفنی، وقتی شخصی با طرف مقابلش تماس برقرار می‌کند شروع به صحبت نموده یا ممکن است اصلاً صحبت هم نکند و صرفاً فقط تماس بگیرد و بلافاصله یا بعد از برقراری ارتباط تلفنی (با تلفن همراه یا تلفن ثابت) فوراً یا با فاصله قطع نماید و حتی ممکن است با تلفن همراه برای طرف مقابلش بدون اینکه مطلبی را قید نماید مسیج بفرستد که امروزه ما با این موارد هم مواجه هستیم و باید جوابگو باشیم که اصلاً آیا چنین عملی جرم است و ایجاد مزاحمت تلفنی است قانونگذار ما ایجاد مزاحمت تلفنی را جرم اعلام نموده و لکن تعریفی از آن بیان ننموده است و به نظر می‌رسد ما چاره‌ای نداریم مگر اینکه به عرف پناه ببریم و ببینیم که عرف چه تصویری از ایجاد مزاحمت تلفنی دارد آیا عرف هرگونه ارتباط تلفنی را که منجر به آزار و اذیت و مزاحمت برای غیر شود را ایجاد مزاحمت تلفنی

می‌داند حال کسی برای دیگری به وسیله تلفن (با گفتار خود) که فعل و عنصر مادی جرم است ایجاد مزاحمت می‌کند اما لازمه تحقق جرم، آن است که جرم یعنی این گفتار در مزاحمت تلفنی به «منصه ظهور» برسد. وقتی به منصه ظهور رسید آن وقت جرم واقع می‌شود که به آنجا محل وقوع جرم می‌گویند، محل وقوع جرم ملاک اصلی و کلی در تعیین صلاحیت است که ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری بدان اشاره نموده است با این استدلال محل وقوع جرم، در ایجاد مزاحمت تلفنی محل اتمام عملیات اجرایی و محل استقرار مخاطب است و ماده ۴ قانون مجازات اسلامی نیز موید همین استدلال و نظر است و در آنجا آمده است: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران و نتیجه آن خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود، در حکم جرم واقع شده در ایران است.»

نظر دوم: از سوی دیگر عده‌ای معتقدند ایجاد مزاحمت تلفنی جرمی آنی است و به محض گفتار تلفنی و یا به مزاحمت با برداشتن گوشی تلفن و گرفتن شماره طرف مقابل و برقراری ارتباط تلفنی، حتی بدون گفتار تلفنی، جرم محقق می‌شود و محل شروع به عملیات اجرایی را ملاک تعیین صلاحیت رسیدگی می‌دانند و معتقدند به محض گفتار تلفنی یا تماس تلفنی که مزاحمت محسوب می‌شود جرم در همان لحظه و بلافاصله تحقق پیدا می‌کند. بنابراین محل وقوع جرم محل شروع به عملیات اجرایی و محل استقرار تماس گیرنده است. همان طوری که واقف هستیم تلفن یا ثابت است یا همراه که نحوه ارتباطات به چهار صورت ممکن خواهد بود:

۱- تلفن ثابت با تلفن ثابت تماس حاصل نماید. ۲- تلفن ثابت با تلفن همراه ۳- تلفن همراه با تلفن همراه ۴- تلفن همراه با تلفن ثابت، چنانچه محل وقوع جرم را محل «شروع به عملیات» و «محل استقرار تماس گیرنده» قرار دهیم:

اولاً: هرگاه تلفن ثابت با تلفن ثابت دیگر، یا تلفن ثابت با تلفن همراه دیگری تماس حاصل و ایجاد مزاحمت تلفنی نماید در این جا ملاک تعیین مرجع قضائی صلاحیت‌دار جهت رسیدگی را «محل تماس گیرنده» قرار دهیم که با استعلام لازمه محل تماس گیرنده مشخص می‌شود.

ثانیاً: هرگاه تلفن همراه با تلفن همراه دیگر و یا تلفن همراه با تلفن ثابت دیگری تماس حاصل و ایجاد مزاحمت تلفنی نماید در اینجا چون ممکن است دارندة تلفن همراه در یک موقعیت نامعلوم و یا در موقعیت‌های جغرافیایی مختلفی قرار داشته باشد و با تلفن همراه خویش یک بار یا مکرراً برای غیر ایجاد مزاحمت نماید و از طرف دیگر تعیین «محل دقیق تماس گیرنده»، مراجع قضائی را در تعیین محل دقیق جرم واقعه دچار مشکل می‌نماید و لذا به نظر می‌رسد در این مورد اختیار را به شاکی بدهیم که اجازه داشته باشد که در هر کجا که صلاح بداند موضوع را مطرح نماید.

چنانچه موضوع در مرجع قضائی به انتخاب شاکی مطرح شود آن مرجع، شروع به رسیدگی و صدور رای مقتضی نماید و چنانچه «در حین رسیدگی» یا «بعد از صدور رای» به نحوی محل دقیق تماس گیرنده مشخص شد در این صورت چنانچه مرجع قضائی رسیدگی کننده خود را صالح در رسیدگی نداند قرار عدم صلاحیت به شایستگی مرجع صالح صادر نماید مثلاً چنانچه محرز شود تماس گیرنده در محل سکونتش بوده و مزاحم همسایه‌اش گردیده است محل طرح شکایت محل سکونت تماس گیرنده خواهد بود.

(استفاده از مواد ۵۲، ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری) و نظر این حقیر، نظر دوم است بنابراین: ۱- ایجاد مزاحمت تلفنی از جرائم آنی محسوب و فوراً و بدون تاخیر به منصه ظهور می‌رسد همچون سرعت حرکت نور که اصلاً تاخیر آن محسوس نیست و فوریت دارد ۲- محل حضور فاعل جرم، «تماس گیرنده» مهم این است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت ۳- منشاء اثر و عامل اصلی وقوع جرم،

**در بزه مزاحمت تلفنی کدام مرجع قضائی صالح به رسیدگی است؟ تماس گیرنده یا مخاطب؟**



فاعل جرم است «تماس گیرنده» ۴- در مواردی که محل تماس گیرنده مشخص است یا به نوعی مشخص می‌شود با طرح شکایت در آن مرجع از اطلاع دادرسی و سردرگمی شاکتی در انتخاب محل طرح شکایت جلوگیری می‌شود و نیاز به صدور نیابت قضائی جهت پیگیری موضوع از مرجعی به مرجع دیگر نیست.

#### آقای طاهری (مجمع قضائی شهید صدر):

موردی که قبلاً در سازمان قضائی مورد بحث قرار گرفته و منجر به نظریه گردید و به نظر می‌رسد که می‌توان به عنوان وحدت ملاک در پاسخ به سؤال فوق مورد استفاده قرار داد این بود که اگر یک فرد نظامی که از مرخصی استفاده کرده پس از اتمام مرخصی به یگان خود مراجعه نکند و مرتکب غیبت شود آیا سازمان قضائی حوزه یگان خدمتی وی صالح به رسیدگی به موضوع است یا سازمان قضائی حوزه‌ای که در آن بی‌توجه کرده است؟ پس از بحث و بررسی منجر به این نظریه گردید که سازمان قضائی حوزه‌ای که در آنجا مرخصی تمام شده و غیبت کرده صالح به رسیدگی است حال اگر این موضوع را وحدت ملاک بگیریم در پاسخ به سؤال باید گفت جایی که تلفن می‌زند جرمی واقع نمی‌شود زیرا مزاحمت جایی صرف می‌شود که تلفن مقابل زنگ بخورد و گوشی برداشته شود و کلماتی رد و بدل گردد. ممکن است شخص به دفعات تلفن زند اما تلفن وصل نشود در اینجا نباید گفت همه این دفعات جرم واقع شده است با این استدلال همکاران در مجمع معتقد بودند در محل برقراری تماس جرمی واقع نمی‌شود بلکه محلی که تبادل برقرار شده (محل مخاطب) جرم تحقق می‌یابد در نتیجه حوزه قضائی همین محل صالح به رسیدگی خواهد بود.

#### آقای کمالی (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۶ تهران):

در رابطه با سؤال فوق باید عرض کنم در یکی از شهرستان‌ها فردی شکایت کرده بود شخصی از تهران برای او مزاحمت تلفنی ایجاد می‌کند. دادسرای آن شهرستان قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادسرای تهران صادر می‌نماید و دادسرای تهران هم اظهارنظر می‌نماید که دادسرای شهرستان مذکور صالح به رسیدگی است در نتیجه با تحقق اختلاف پرونده به دیوانعالی کشور ارسال شده در یکی از شعب دیوان به صلاحیت دادسرای

عمومی شهرستان مذکور حل اختلاف به عمل آمده اما در پرونده دیگری مشابه با موضوع فوق همین شعبه دیوان دادرسی عمومی تهران را صالح به رسیدگی دانسته ملاحظه می‌فرمایید یک شعبه دیوانعالی کشور راجع به یک موضوع دو رای مختلف صادر کرده است. (آقای یآوری اظهار داشتند غیر از شعبه‌ای که نام برده شد یکی دیگر از شعب دیوان محل تماس گیرنده را صالح به رسیدگی دانسته است که در این صورت می‌توان تقاضای وحدت رویه کرد) در ادامه آقای کمالی اظهار داشتند همکاران ما در دادسرای ناحیه ۶ معتقد بودند که محل وقوع بزه مزاحمت تلفنی محل مخاطب است و حوزه قضائی محل مخاطب صالح به رسیدگی به موضوع است.

#### آقای پورقربانی (دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱۰ تهران):

مزاحمت تلفنی یعنی کسی را دچار زحمت کردن و در مضیقه قرار دادن. بنابراین به صرف اینکه تلفن زنگ بخورد و از آن طرف هم گوشی برداشته نشود کسی دچار زحمت نمی‌شود در نتیجه مزاحمت تلفنی هم واقع نمی‌شود. بنابراین اگر کسی گوشی بردارد یعنی دچار زحمت می‌شود و آن هم محل مخاطب است در نتیجه این بزه در محل مخاطب واقع و کشف می‌شود و حوزه قضائی همین محل صالح به رسیدگی به بزه مذکور خواهد بود.

#### آقای رضوانفر (دادسرای انتظامی قضات):

به عنوان مثال معمولی‌ای که باید طبق برنامه از شهری به شهر دیگری برده و تحویل داده شود اما این محموله را به شهر سومی که جزء برنامه نبوده پیاده می‌کنند. در اینجا باید گفت جرم خیانت در امانت در همین شهر تحقق پیدا کرده نه شهرهای دیگر و در مورد غیبت یک نظامی چون جرم مستمر است و بر اساس استمرارش رسیدگی خواهد شد اما در مانحن فیه جرم زمانی واقع می‌شود که فعل مشخص شود و به زبان درآید در نتیجه مجنی علیه متأثر از جرم شود وقتی متأثر نشده جرمی هم واقع نشده لذا در صورت وقوع یعنی ایجاد تأثر جرم حوزه قضائی محل مذکور صالح به رسیدگی خواهد بود.

#### نظریه اعضای محترم کمیسیون حاضر در جلسه (۸۶/۲/۶):

اکثریت: اصل بر این است که متهم در دادگاهی محاکمه شود که جرم در حوزه قضائی آن دادگاه واقع شده باشد بنابراین در پاسخ به سؤال باید محل وقوع بزه (مزاحمت تلفنی) را مشخص نماییم. در این صورت حوزه قضائی صالح جهت رسیدگی به بزه مذکور هم مشخص خواهد شد از مفاد سؤال استنباط می‌شود که حوزه قضائی محل استقرار تماس گیرنده (با تلفن ثابت یا همراه) و حوزه قضائی محل استقرار مخاطب جدا است. اکنون که این اتفاق افتاده محل وقوع بزه کجاست؟

اکثریت معتقدند جایی که تماس گرفته می‌شود جرمی واقع نشده زیرا تماس گیرنده به قصد آزار و اذیت مخاطب اقدام کرده است و آن موقعی است که مخاطب گوشی بردارد و کلماتی رد و بدل شود یا اینکه در پیغامگیر ضبط شود و این ارتباط باعث تأثر مخاطب گردد که تمایلی به برقراری چنین تماسی نداشته است در این صورت عنصر مادی جرم در محل مخاطب تحقق می‌یابد و مزاحمت به منصفه ظهور می‌رسد در نتیجه حوزه قضائی صالح به رسیدگی نسبت به بزه موضوع سؤال حوزه قضائی محل مخاطب خواهد بود که جرم در آنجا به وقوع پیوسته است.

اقلیت: محل وقوع بزه مورد سؤال محل شروع به عملیات اجرایی یعنی محل استقرار تماس گیرنده است زیرا مطابق قانون مجازات اسلامی هر جرمی در قالب فعل یا ترک فعل امکان ظهور و بروز دارد. مزاحمت تلفنی با گرفتن شماره یا ادای کلمات به صورت فعل حادث می‌شود که در محل تماس گیرنده انجام می‌گیرد بنابراین با وقوع جرم در محل استقرار تماس گیرنده حوزه قضائی صالح رسیدگی کننده به موضوع حوزه قضائی همین عمل است.



در جرم مزاحمت  
تلفنی، عنصر مادی  
جرم در محل  
مخاطب تحقق  
می‌یابد در نتیجه  
حوزه قضائی صالح  
به رسیدگی نسبت  
به بزه، حوزه قضائی  
محل مخاطب  
خواهد بود که جرم  
در آنجا به وقوع  
پیوسته است.